رهبر انقلاب در دیدار دست‌اندرکاران همایش ملی حکیم طهران (مرحوم آقاعلی مدرس زنوزی):

جوان‌ها را به علوم عقلی دعوت کنید

در دوران جمهوری اسلامی علوم عقلی رونق گرفته است

بیانات حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای در دیدار اعضای هیات‌موسس و هیات‌مدیره مجمع عالی حکمت اسلامی و دست‌اندرکاران برگزاری همایش ملی حکیم طهران «آقا علی مدرس زنوزی (حکیم موسس)» که در تاریخ ۱۳۹۷/۰۲/۰۳ برگزار شده بود، صبح دیروز در محل برگزاری این همایش منتشر شد.

///

بسم ا... الرّحمن الرّحیم[1] و الحمدلله ربّ العالمین و الصّلاة و السّلام علی سیّدنا محمّد و آله الطّاهرین سیّما بقیّة‌الله فی الارضین.

خیلی خوش آمدید آقایان محترم و بزرگان و فضلای عزیز بخش علوم عقلی و خیلی ممنون و متشکریم از جنابَ آقای فیاضی که واقعا ایشان وجود بابرکتی هستند و توانستند در قم این مجموعه[2] را تشکیل بدهند و راه بیندازند که با این تفاصیلی که آقایان فرمودند خیلی باارزش است. خوشبختانه در دوران جمهوری اسلامی علوم عقلی رونق گرفته. خب، قبل از انقلاب در قم خبری نبود؛ زمانی که ما بودیم، مثلا فرض کنید یک درس آقای طباطبایی[3] با یک عده معدود مثلا چهل پنجاه نفره بود؛ اما حالا مثلا جناب آقای جوادی[4] که سال‌ها [است] در این زمینه [فعالند]، جناب آقای مصباح،[5] جناب آقای سبحانی[6] و تشکیلات‌شان در زمینه مسائل کلامی و درس‌های متعدد فلسفه‌ای که شنیدم در قم هست، اینها زمینه ترویج و اعتلای علوم عقلی را به انسان مژده می‌دهد که چنین زمینه‌ای به وجود آمده.

همین کاری که آقای فیاضی و آقایان فرمودند که حرف جدیدی یا تقریر جدیدی یا برهان جدیدی برای یک مطلب اثبات‌شده -مثلا- یا رد جدیدی برای یک حرف غلط مطرح می‌شود و بحث می‌شود، این خیلی باارزش است، خیلی خوب است؛ اینها پیش‌برنده علوم عقلی است. ازجمله خصوصیات مرحوم آقا علی مدرس این است که ایشان نقاد ملاصدرا است یعنی به همین اندازه، ایشان فلسفه را پیش برده یعنی حرف‌هایی دارد در نقد ملاصدرا؛ این کار بایستی انجام بگیرد؛ اشاره به نقد ملاصدرا نمی‌خواهم بکنم، [بلکه] می‌خواهم عرض بکنم بحث نقادی و بحث حرف نو به میان آوردن و به‌اصطلاح نوآوری در علوم عقلی، یَک مساله بسیار مهمی است. گاهی هست که یک مکتبی یا یک فکری، چند تفسیر دارد؛ کمااینکه الان در این کار، غربی‌ها [فعالند] - چون غربی‌ها در زمینه تبلیغات و روابط عمومی واقعا با ما قابل مقایسه نیستند، خیلی قوی‌تر و پیشرفته‌تر از ما هستند در این زمینه؛ شما فرض کنید راجع به هگل،[7] من باب‌مثال، تفاسیر متعدد از حرف‌های او و از کتاب‌ها و متونی که او نوشته می‌بینید- یعنی برداشت‌های گوناگون را بیان می‌کنند؛ خود این کمک می‌کند به پیشرفت فکر و منطق و عقلانیت در حوزه علوم عقلی. بنابراین [این کار] بسیار کار خوبی است و من امیدوارم که ان‌شاءا... این مجموعه‌ای را که جناب آقای فیاضی سرپرستی می‌کنند و جناب آقای جوادی، جناب آقای مصباح و جناب آقای سبحانی هم -آن‌طور که فرمودند[8]- نظارت می‌کنند یا هدایت می‌کنند، این را هرچه قوی‌تر پیش ببرند؛ این بسیار کار مهم و لازمی است که [باید] انجام بگیرد. در مورد بزرگداشت‌ها؛ این کار، کار مهمی است. ما به بزرگداشت کسی مثل آقا علی مدرس نباید به این چشم نگاه کنیم که حالا یک آدم بزرگی را داریم معرفی می‌کنیم؛ نه، این معرفی یک جریان فکری است، مطرح کردن یک اندیشه و یک اندیشه‌ورز بزرگ است. آقایان [عنوان کنگره را] نوشتید مدرس تهران، حکیم تهران؛ خب بله، ایشان در تهران بوده‌اند و حکیم تهران هم هستند، منتها حکیم تهران، فقط مرحوم آقا علی مدرس نیست. من الان همین‌طور که آقایان صحبت می‌کردید، چند اسم راجع به همین حکمایی که در صدسال اخیر در تهران بوده‌اند [به ذهنم آمد]؛ از میرزا ابوالحسن جلوه تا آقا محمدرضای قمشه‌ای که در [زمینه] عرفان است، تا مرحوم هیدجی[9] تا مرحوم میرزا عبدا... زنوزی. میرزا عبدا... زنوزی پدر ایشان است و آقا علی شاگرد پدرش است؛ هردو شاگرد ملاعلی نوری اصفهانند. مرحوم ملاعلی نوری هم یکی از آن بزرگان این -به‌اصطلاح- مضمار[10] و این میدان است؛ یعنی اینها کسانی هستند که فلسفه ملاصدرا را احیا کردند. فلسفه ملاصدرا بعد از یک برهه‌ای از زمان، مورد تهاجم شدید قرار گرفت و افول کرد؛ بعد یک کسانی در اصفهان پیدا شدند [و آن را احیاء کردند] که همه آنها هم در اصفهانند؛ البته غالبا هم اصفهانی نیستند؛ مثل ایشان که اصفهانی نیست، مثل خیلی از آقایان و بزرگانی که اسم‌شان آورده می‌شود؛ اینها اصفهانی هم نیستند لکن مرکز، اصفهان بوده؛ این نشان‌دهنده این است که اصفهان مرکز علوم عقلی بوده. بعد این پدر و پسر - مرحوم میرزا عبدا... زنوزی و مرحوم آقا علی حکیم- منتقل می‌شوند به تهران و آن‌وقت، تهران مرکز علوم عقلی می‌شود. به‌هرحال اینها خیلی شخصیت‌های بزرگی‌اند؛ تا این اواخر که می‌رسد به مثلا مرحوم آمیرزا مهدی آشتیانی، آمیرزا احمد آشتیانی، مرحوم شاه‌آبادی.[11] آمیرزا مهدی خیلی معروف است لکن آمیرزا احمد آشتیانی به‌عنوان یک حکیم، معروف نیست؛ درحالی که ایشان فلسفه‌دان بزرگ و واقعا حکیم بوده؛ [همین‌طور] مرحوم آشیخ محمدتقی آملی که ایشان خب شرح منظومه دارد -ملاحظه کرده‌اید- یعنی حکیم بوده؛ [البته] فقیه است، فقیه بزرگی است، در حد مرجع تقلید است اما حکیم است یعنی دارای [تخصص] علوم عقلی است. به نظر من اینها را یکی‌یکی باید از کنج انزوا و آن خلوت گمنامی‌شان بیرون کشید و مطرح کرد؛ اینها حرف دارند، مطلب دارند.

خب، حالا شما کتاب بدایع‌الحکَم مرحوم آقا علی حکیم را مثلا در اینجا چاپ کردید؛ خب باید کسی بنشیند این کتاب مفصل را بخواند تا بفهمد که آقا علی چه می‌گوید؛ چند نفر آماده هستند که بخوانند این کتاب را؟ چند نفر دارید که توانایی این کار را داشته باشند؟ این احتیاج دارد به همان [کاری] که درباره مرحوم ملاصدرا من گفتم[12] -و یک کار کوچکی هم البته شده؛ بد نیست- که یک جمعی یا یک هیاتی بنشینند و لب فلسفه آقا علی حکیم را دربیاورند و اصلا بگویند ایشان چه می‌گوید، حرفش چیست، مطلب موردنظرش چیست. یک‌وقتی حضرت آقای جوادی[13] یک کتابی را از آقا علی -به نظرم یک کتاب یا رساله‌ای از رساله‌های ایشان بود- آوردند به من نشان دادند که «ایشان اینجا در جواب این مطلب، این را گفته»؛ الان آن حرف یادم نیست اما می‌دانم که حرف مهمی بود. خب اینها استخراج بشود، بیرون بیاید از ضمن کتاب‌های ایشان یا رسائل ایشان. ایشان یک رساله در «وجود رابطی» ظاهرا دارد؛ رساله‌های متعددی آقا علی حکیم دارد؛ بنشینند اینها را تدوین کنند تا ناگهان تهران -که شما می‌گویید مرکز حکمت در یک دوره‌ای بوده- احساس کند که ایشان یک فکر فلسفی عمیق قوی‌ای را در مثلا فرض کنید صد و چند سال پیش که ایشان از دنیا رفته -ظاهرا حدود ۱۳۰۷ ایشان از دنیا رفت- یک‌چنین فکری را در تهران مطرح کرده؛ یعنی خلاصه‌گیری بشود و تبیین بشود آن مکتب ایشان و حرف ایشان و مبنای ایشان و همچنین دیگرانی که هستند [مثل] مرحوم آمیرزا ابوالحسن جلوه (رضوان‌ا... علیه)؛ ایشان حواشی زیادی بر اسفار دارد؛ خیلی هم خوش‌خط بوده. می‌گویند ایشان نسخه‌های مختلف اسفار را که تدریس می‌کرد، هر نسخه‌ای که دستش بود، در هرجایی ایشان یک حاشیه‌ای همان‌جا می‌نوشت؛ یکی از این نسخه‌های اسفار -که اسفاری است با حواشی دست‌نوشته مرحوم میرزا ابوالحسن جلوه یا حاج میرزا ابوالحسن جلوه؛ نمی‌دانم مکه هم رفته بوده یا نه- دست بنده افتاد و آن را اهدا کردم به کتابخانه موسسه آقای مصباح که الان آنجا باید باشد و قاعدتا هست. خب ایشان حرف دارد؛ می‌دانید که میرزا ابوالحسن جلوه جزء منتقدین ملاصدرا است یعنی جزء افرادی است که در بسیاری از مبانی ملاصدرا ایشان حرف دارد، استدلال دارد، مثل خود آقا علی؛ ایشان هم همین‌جور [است]؛ خب ببینیم حرف‌های ایشان چیست؛ یک نفری استخراج کند این حرف‌ها را، دربیاورد، مطرح کند. اینها به نظر من کارهای بسیار مهمی است که زمین‌مانده است؛ ما دیر به این فکر افتاده‌ایم و باید همه اینها را انجام بدهیم.

به‌هرحال دعوت جوان‌های ما به علوم عقلی، بسیار مهم است؛ توجه حوزه‌ها به علوم عقلی و به‌خصوص فلسفه، خیلی مهم است. بعضی از آقایان بزرگوار و محترمی که خیلی مورد تکریم و احترام ما هستند، اشکال داشتند به اینکه درس‌های فلسفه و عرفان و این حرف‌ها در قم زیاد شده؛ بنده به آن آقایان گفتم که چنانچه فلسفه را شما از قم بردارید، کسانی در جاهای دیگر، متصدی تبیین فلسفه و تدریس فلسفه می‌شوند که اهلیت و صلاحیت این کار را ندارند؛ کمااینکه الان می‌بینیم بعضی از افرادی که در غیر قم به‌عنوان فلسفه‌دان شناخته می‌شوند و مطرح می‌شوند، اطلاعات‌شان از فلسفه سطحی است؛ نه اینکه اطلاع ندارند اما اطلاعات‌شان عمیق نیست، سطحی است؛ یک چیزی خوانده‌اند و یک اصطلاحی را بر زبان جاری می‌کنند؛ خب این خوب نیست؛ خوب است که در خود قم باشد، در حوزه علمیه باشد. تهران هم همین‌جور؛ حوزه علمیه تهران هم که یک روزی مرکز علوم عقلی بوده، امروز چنانچه تدریس فلسفه و تدریس علوم عقلی در آن رواج پیدا بکند، این به نظر ما یک چیز بسیار خوب و مفیدی خواهد بود ان‌شاءا... . من اینجا اسم میرزا هاشم اشکوری را نگفتم؛[14] یا مرحوم آسید کاظم عصار؛ [البته] اینها که بعضی در دانشگاه تدریس می‌کردند، بعضی بیرون تدریس می‌کردند، اینها متاخرینند و شاگردهای‌شان هستند، [اما] اینهایی که ما گفتیم، قبل از این نسل [هستند].[15] هرجا مکتب تهران گفته می‌شود، اینها را می‌خواهند بگویند، یعنی این آقایان پدر و پسر؛[16] [البته] شما از مرحوم میرزا عبدا... زنوزی هیچ اسمی نیاوردید و توجهی نکردید؛ ایشان لابد آثاری باید داشته باشند و باید کارهای ایشان -مرحوم میرزا عبدا... زنوزی- مطرح بشود، [چون] آقا علی شاگرد پدرش است؛ این آقایان هستند که معروف به مکتب تهران هستند.

به‌هرحال ما از آقایان تشکر می‌کنیم، به‌خاطر این زحمتی که کشیدید و این کاری که شروع کردید، این معرفی چهره‌های فلسفه. ان‌شاءا... که خداوند به وجود شماها برکت بدهد و آقایان مدرسین بزرگ فلسفه در قم -که الحمدلله آدم می‌بیند برکات وجود آنها چقدر زیاد است- خداوند ان‌شاءا... تاییدشان کند، محفوظ‌شان بدارد و برکات‌شان را ادامه بدهد. و همچنین شما آقایانی که متصدی این کارها هستید، ان‌شاءا... مشمول توفیقات الهی و تاییدات الهی و هدایت الهی باشید. ان‌شاءا... موفق باشید.

والسلام علیکم و رحمه‌ا... و برکاته

پی‌نوشت:

۱) در ابتدای این دیدار -که در چارچوب دیدارهای دسته‌جمعی برگزار شد- حجج اسلام غلامرضا فیاضی (رئیس هیات‌مدیره مجمع عالی حکمت اسلامی و رئیس همایش)، حسن معلمی (دبیر مجمع عالی حکمت اسلامی و دبیر همایش)، محمدباقر خراسانی (مدیر اجرایی مجمع عالی حکمت اسلامی و دبیر اجرایی همایش)، گزارش‌هایی ارائه کردند. همایش ملی حکیم طهران به همت مجمع عالی حکمت اسلامی و همکاری جمعی از دستگاه‌های علمی و فرهنگی و اجرایی کشور، روزهای پنجم و ششم اردیبهشت سال جاری به ترتیب در تهران و قم برگزار می‌شود.

۲) در پی دیدار جمعی از فضلای حوزه علمیه قم با رهبر معظم انقلاب اسلامی (۱۳۸۲/۱۰/۲۹) و تاکید معظم‌له بر تشکیل مجموعه‌ای برای رشد و ترویج و تعمیق جریان علوم عقلی در حوزه‌های علمیه، مجمع عالی حکمت اسلامی از سال ۱۳۸۴ فعالیت خود را آغاز کرد و از فعالیت‌های آن می‌توان به تشکیل گروه‌های علمی، برگزاری نشست‌هایی برای ارائه مطالب نو و نقادی آنها، تجلیل و بزرگداشت بزرگان علوم عقلی و احیای آثار آنها اشاره کرد.

۳) علامه سیدمحمدحسین طباطبائی

۴) آیت‌ا... عبدا... جوادی آملی

۵) آیت‌ا... محمدتقی مصباح‌یزدی

۶) آیت‌ا... جعفر سبحانی

۷) فیلسوف آلمانی

۸) در گزارش رئیس همایش به این مطلب اشاره شد که حضرات آیات جوادی آملی، مصباح‌یزدی و سبحانی سه ناظر عالی این مجمع هستند.

۹) حکیم ملا محمدعلی هیدجی

۱۰) میدان

۱۱) آیت‌ا... میرزا محمدعلی شاه‌آبادی

۱۲) بیانات در دیدار با دست‌اندرکاران برگزاری کنگره ملاصدرا (۱۳۸۰/۹/۸)

۱۳) آیت‌ا... جوادی آملی

۱۴) حضار به نام تعدادی دیگر از فلاسفه معاصر تهران ازجمله مرحوم آسیدکاظم عصار اشاره کردند.

۱۵) حجت‌الاسلام والمسلمین علی‌اکبر صادقی‌رشاد (رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی): بعضی، از این افراد تعبیر به «مکتب تهران» می‌کنند.

۱۶) میرزا عبدا... و ملاعلی زنوزی

یادداشت

مروری بر تعاریف آکادمیک اسلام‌هراسی

مناقشه در اصطلاح

عباس عیسی‌زاده
کارشناس‌ارشد مدیریت رسانه

اصطلاح اسلام‌هراسی طی دو دهه گذشته کاملا در محافل علمی و نیز گفتمان سیاسی و عمومی متداول شده است. با این وصف، جدال بر سر تعریف و معنای این واژه همچنان ادامه دارد تا جایی که برخی منتقدان با طرح اشکالاتی اساسی بر کاربرد واژه اسلام‌هراسی، اصطلاحات دیگری را جایگزین آن کرده‌اند، ازجمله: «مسلمان‌هراسی»، «تعصب علیه اسلام» و «نژادپرستی ضداسلامی». علی‌رغم وجود اختلافات متعدد، تئوریزه کردن اسلام‌هراسی و بسط یک تعریف جامع و محوری برای آن به‌عنوان یک مفهوم نوظهور در مجموعه علوم اجتماعی ضروری می‌نماید؛ وجود چنین تعریفی می‌تواند به درک بهتری از چیستی اسلام‌هراسی، علل و عوامل آن و نیز عواقب و پیامدهای آن بینجامد و همچنین شاخص‌هایی برای اندازه‌گیری آن در زمان‌ها و مکان‌های مختلف پیشنهاد کند و مقایسه با سایر موارد مشابه نظیر نژادپرستی، دگرهراسی، یهودستیزی و وجوه تفکیک و تمایز از آنها را امکان‌پذیر سازد. چنانکه اشاره شد، بحث‌های بسیاری در رابطه با تعریف دقیق اسلام‌هراسی و همچنین اعتبار تجربی آن در محافل آکادمیک جریان دارد. در حقیقت، به‌رغم استعمال گسترده این اصطلاح در فضای سیاسی، رسانه‌ای و عمومی، کمتر واژه‌ای نظیر آن در سال‌های اخیر چنین جدال‌برانگیز بوده است. تاکنون تلاش‌ها برای تعریف اسلام‌هراسی چندان موفقیت‌آمیز نبوده و تعریف دقیق و علمی که مورد پذیرش و استناد همه پژوهشگران باشد، ارائه نشده است. عدم‌توافق بر سر یک تعریف واحد، مشکلات و موانع عدیده‌ای در مسیر پیشرفت این عرصه پژوهشی ایجاد کرده است. اریک بلیک، استاد برجسته علوم سیاسی در کالج میدلبری ایالت ورمونت آمریکا، به برخی از این مسائل اشاره کرده است: «عموم مردم وجود اسلام‌هراسی را مسلم فرض می‌کنند، با این حال ما بسیار کمتر از آنچه باید، از این پدیده می‌دانیم. ما از ابعاد مختلف اسلام‌هراسی، شدت، فراگیری و گستردگی آن در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون و در میان گروه‌های اجتماعی مختلف و همچنین در مورد شباهت‌ها و تفاوت‌های آن با سایر انواع تبعیض، بی‌اطلاعیم.

گذشته از این، بدون تعریفی واحد نمی‌توانیم علل و ریشه‌های این معضل و تبعات و پیامدهای آن را به دقت بررسی کنیم. یکی از علل اصلی عدم‌اجماع بر سر یک تعریف واحد، این بوده که اسلام‌هراسی عموما با اغراض و مقاصد سیاسی استعمال شده و کاربرد سیاسی آن بر کاربرد علمی غلبه داشته است، لکن طی سال‌های اخیر، درحال خارج شدن از این قالب تحمیلی و راه‌یافتن به مباحث جدی علوم اجتماعی است.» توران کایوقلو، استاد ترک تبار روابط بین‌الملل در مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه واشینگتن نیز ضمن تایید این مساله، می‌نویسد: «با وجود ابهام در معنای این واژه چگونه می‌توانیم عوامل آن را بیابیم، سطوح مختلف آن را در جوامع گوناگون و در طول زمان بررسی کنیم و راهکارهای مقابله با آن را بشناسیم؟»

بنابراین اختلافات مستمر در مورد تعریف و معنای اسلام‌هراسی مانع تبدیل شدن آن به مفهومی تطبیقی و قابل مقایسه و اندازه‌گیری شده است، اما از سوی دیگر باید توجه داشت که این گونه جدال‌ها کاملا مرسوم است. هرچند دو دهه از وضع و کاربرد معاصر واژه «اسلام‌هراسی» می‌گذرد، تثبیت یک اصطلاح ابدا به معنای مصون ماندن آن از نقد و بررسی نیست. چنانکه حتی اصطلاحات پرکاربردی مانند دموکراسی و ایدئولوژی همچنان در محافل علمی، موضوع بحث و جدل قرار می‌گیرند. در نوشتار حاضر، با هدف وصول به فهمی عمیق‌تر از پدیده اسلام‌هراسی، به مرور تفاسیر و برداشت‌های متنوع از آن می‌پردازیم. با توضیح این نکته که تمرکز ما بر انعکاس دیدگاه‌های اندیشمندان و محققان غربی خواهد بود؛ چراکه آنچه ما به‌عنوان اسلام‌هراسی می‌شناسیم، در «جوامع غربی» جریان دارد. ضمن اینکه واژه و مفهوم اسلام‌هراسی برساخته متفکران غربی است؛ از این‌رو، نیل به درکی صحیح از اسلام‌هراسی معاصر، بدون رجوع به دیدگاه‌های آنان میسر و ممکن نخواهد شد.

در ادامه، مبحث «تعاریف آکادمیک اسلام‌هراسی» را پی می‌گیریم: عده‌ای از پژوهشگران این واژه را در آثارشان به کار برده‌اند، بدون اینکه تعریفی از آن ارائه کنند. برخی دیگر اسلام‌هراسی را با ویژگی‌ها و خصیصه‌هایی تعریف کرده‌اند که مبهم، محدود و بسیار کلی و عام هستند. برای مثال، پیتر گاتشاک و گابریل گرینبرگ (۲۰۰۸) در کتاب خود تحت‌عنوان «اسلام‌هراسی: نگاه به مسلمانان به‌مثابه دشمن»، آن را به «تشویش و نگرانی در رابطه با اسلام» معنا کرده‌اند و پینا وربنر، انسان‌شناس مطرح بریتانیایی آن را شکلی از «نژادپرستی افتراقی» می‌خواند. سایر تعاریف دقیق‌تر و فاقد نقاط ضعف این‌چنینی هستند، هرچند در میان آنها اختلاف‌نظر در مورد نحوه تئوریزه کردن اسلام‌هراسی کم نیست. شرمان لی و همکارانش در دانشگاه «کریستوفر نیوپورت» ویرجینیا، از اولین محققانی که به معرفی شاخص‌هایی برای سنجش و اندازه‌گیری دقیق این مفهوم پرداخته‌اند، اسلام‌هراسی را به معنای «ترس از مسلمانان و اعتقادات اسلامی» می‌دانند.

طاهر عباس، محقق برجسته مدرسه اقتصاد و علوم سیاسی لندن و نیز تحلیلگر مسائل مرتبط با نژاد، قومیت و اقلیت‌های مسلمان بریتانیا، در تعریفی مشابه، مقصود از این واژه را «ترس، وحشت و هراس از اسلام و مسلمانان» دانسته است. خوزه پدرو زوکوئت، پژوهشگر مرکز مطالعات اروپا در دانشگاه هاروارد، اسلام‌هراسی را چنین توصیف می‌کند: «نوعی ذهنیت یا گفتمان مبتنی بر هراس که منجر به قضاوت‌های عام و فراگیر نسبت به اسلام می‌شود؛ اسلام به‌منزله دشمن، اسلام به‌مثابه غیر و دیگری و درنهایت، اسلام به‌عنوان جبهه‌ای واحد و یکپارچه، تغییرناپذیر و خطرناک که مطلقا مستحق رفتار خصومت‌آمیز غرب است.» محمدمهدی سمتی، استاد ایرانی گروه ارتباطات دانشگاه ایلینویس شمالی، در اثر شاخص خود «اسلام‌هراسی، نژاد و فرهنگ در عصر امپراتوری»، آن را «مفهوم و برداشتی انتزاعی و منفی از اسلام» تعریف کرده است که «محکوم به ناسازگاری با اروپایی و آمریکایی‌بودن [غربی‌بودن] است.» یکی از دقیق‌ترین تعاریف را یورگ استولز، استاد جامعه‌شناسی دین در دانشگاه لوزان سوئیس ارائه کرده است: «اسلام‌هراسی به معنای طرد اسلام، افراد و گروه‌های مسلمان براساس تعصب و کلیشه‌هاست. عناصر اصلی اسلام‌هراسی ممکن است عاطفی، شناختی و همچنین رفتاری (مثل تبعیض و خشونت) باشند.» به‌طور خلاصه، از دید شرمان لی و طاهر عباس، اسلام‌هراسی منحصرا نوعی ترس یا هراس است؛ حال چه از اسلام و چه از مسلمانان. زوکوئت و سمتی اعم از اینکه، اسلام‌هراسی فقط به ترس معنا شود یا به بیش از ترس و هراس صرف، آن را متوجه اسلام می‌دانند و نه پیروان آن یعنی مسلمانان. در آخر استولز آن را به طرد اسلام یا مسلمانان تعریف می‌کند که افکار، احساسات و نگرش‌های ضداسلامی تا اعمال خشونت‌بار را دربر می‌گیرد.

> یکی از علل اصلی عدم‌اجماع بر سر یک تعریف واحد، این بوده که اسلام‌هراسی عموما با اغراض و مقاصد سیاسی استعمال شده و کاربرد سیاسی آن بر کاربرد علمی غلبه داشته است، لکن طی سال‌های اخیر، درحال خارج شدن از این قالب تحمیلی و راه‌یافتن به مباحث جدی علوم اجتماعی است

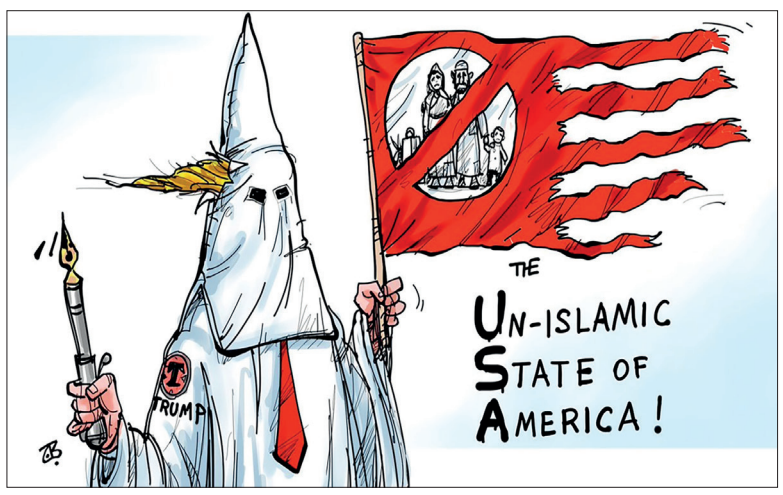

جمع‌بندی

گرچه اصطلاح علمی یاد شده واجد نقاط ضعف بسیار و فاقد وضوح لازم است، اسلام‌هراسی بدون تردید کماکان ادامه دارد و دیگر نمی‌توان آن را از فرهنگ‌نامه اروپا و غرب به‌طورعام حذف کرد یا آن را نادیده گرفت. گسترش مفهومی و زبانی این واژه در عرصه عمومی، سیاسی و آکادمیک به این معناست که اسلام‌هراسی در حال حاضر به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی مطرح است و تبدیل به موضوعی مهم و حیاتی شده که نیازمند توجه و عمل است. نخستین گام در مسیر فهم این واقعیت اجتماعی، توافق بر سر تعریفی دقیق و علمی است.

از میان تعاریف موجود، اریک بلیک به بهترین شکل آن را «احساسات و نگرش‌های منفی بی‌اساس و غیرمنطقی در قبال اسلام و مسلمانان» توصیف می‌کند. دلیل ارجحیت این تعریف، جامعیت، مانعیت، سادگی و اختصار آن است؛ بلیک با اضافه کردن قید «احساسات و نگرش‌های منفی بی‌اساس و غیرمنطقی» در قیاس با گاتشاک و گرینبرگ که «تشویش و نگرانی» را وجه مشخصه اسلام‌هراسی دانسته‌اند و امثال آنان، تعریفی جامع‌تر ارائه می‌دهد. وی همچنین با معرفی اسلام و مسلمانان به‌عنوان هدف و موضوع خصومت، آن را از موارد مشابه و دیگر اشکال عدم‌تساهل همچون نژادپرستی، یهودستیزی و دگرهراسی متمایز می‌نماید. درنهایت، برتری اصلی بلیک نسبت به آلن، زوکوئت و لوپز در این است که تعریف او ضمن رعایت اختصار، شاکله اصلی اسلام‌هراسی را به شیوایی بیان می‌کند.

منابع در دفتر روزنامه موجود است